

بایدها و نبایدهای پوشاک

بررسی‌های تاریخی و سیر در سنت‌ها و فرهنگ‌ها نشان می‌دهد که انسان‌ها از نخستین روزهای آفرینش، در پی پوشانیدن بدن خویش در برابر سرما و گرما و نیز محافظت از نگاه‌های دیگران بوده‌اند و به تدریج، این روند راه رشد و ترقی را پیموده است.

در سنت اسلامی، اصل بر پوشش مردان و زنان، به گونه‌ای است که ضمن پوشیدگی، ارزش‌ها و موازین شرعی و دینی رعایت شده و در بهبود مناسبات اجتماعی و جلوگیری از تحریکات و مفاسد، مؤثر باشد. دین آسمانی اسلام نه تنها مخالف زیبایی و آراستن نیست بلکه به این کار امر کرده چنانچه در منابع روایی ما از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده است: «ان الله جمیل و یحب الجمال»؛ خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد.^۱

حضرت علی علیه‌السلام نیز فرموده‌اند: «آراستگی، از اخلاق مومنان است.»^۲ حضرت امام صادق علیه‌السلام نیز نوید داده‌اند که خداوند، آراستن را دوست و از نپرداختن به خود و ژولیدگی نفرت دارد.^۳ فرموده‌اند: «خداوند دوست دارد وقتی بنده‌ای به سوی دوستان می‌رود، آماده و آراسته شود.»^۴ رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله اصرار دارند که مسلمان، لباس سپیدی را برتن کند که پاکیزه و تمیز است،^۵

اما در اسلام، اختلاطها و هشداری‌ها هم در این عرصه‌ها آمده؛ زیرا اسلام می‌خواهد که انسان‌ها به سوی ارزش‌های والا روی آورند و از هوس‌ها و امیال آمیخته به مفاسد بپرهیزند. در فرهنگ اسلامی، مردان و زنان حق ندارند به گونه‌ای خود را بیارایند که شبیه هم شوند؛ دامنه این همانندسازی ممنوع، لباس، آرایش، زینت، راه رفتن، نوع حرکت و مانند آن را در برمی‌گیرد. مراجع تقلید نیز در رساله‌های عملیه خود، از آرایش، اصلاح موی سر و یا تراشیدن آن سخن گفته و احکام و فروعانی ذکر کرده‌اند.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مردی که خود را شبیه زنان می‌ساخت، مجازات می‌کرد و زنانی را که در لباس، به صورت مردان درمی‌آمدند، از این کار برحذر می‌داشت. طبق آیه ۳۱ سوره نور، بانوان اجازه ندارند زینت خود را جز به مقداری که عرف اجازه می‌دهد، آشکار سازند. شرافت زن اقتضا می‌کند که هنگام بیرون رفتن از خانه، متین و باوقار باشد و در رفتار، از هرکاری که سبب جلب توجه و تحریک دیگران شود، بپرهیزد.

در منابع اسلامی، انسان از این که لباس را وسیله‌ای برای شهرت و گناه قرار دهد، منع شده است؛ امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «لباس نازک بدن نما نبوشید زیرا نشانه سستی در دین است.»^۶ و «بپرهیز از این که خود را برای مردم بیارایی و با انجام گناه، به جنگ با خدا برخیزی.»^۷

تنوع‌طلبی و تبلیغات کاذب

یکی از ویژگی‌های آدمی، تنوع‌طلبی است و همین ویژگی، اگرچه خصلت بدی نیست؛ ولی می‌تواند ابعاد فرهنگی و معنوی انسان را تحت تاثیر قرار دهد. مدت‌هاست که با روی آوردن مردم به انواع لباس، مسئله پوشش هم یکی از دغدغه‌های اساسی مردم،

بویژه نسل جوان شده است. با

شرافت زن اقتضا می‌کند که هنگام بیرون رفتن از خانه، متین و باوقار باشد و در رفتار، از هرکاری که سبب جلب توجه و تحریک دیگران شود، بپرهیزد.

این که پوشش مناسب، برای حفظ کردن تن آدمی از سرما و گرما و نیز فرآیندی است که علاوه بر راحتی و تامین آرامش، با توجه به بهره‌گیری از رنگ، مدل، برش و نوع دوخت با توجه به اندام فرد عرضه می‌شود ولی به نظر می‌رسد با به وجود آمدن ملاک‌های حاشیه‌ای و فرعی،

این معیارها کمرنگ شده‌اند. البته قدرت خرید جنس و کیفیت لباس هم بر انتخاب آن اثر می‌گذارد.

مدگرایی، از عواملی است که فلسفه اصلی پوشش را تهدید می‌کند و حتی مناسبات فرهنگی و ارزشی را مورد تهاجم قرار می‌دهد. تاکنون، تعریف درست و دقیقی از مد ارایه نشده است و گروهی، آن را مترادف تجدد گرفته‌اند و بسیاری دیگر، شیک پوش بودن را برابر با مدگرایی دانسته‌اند؛ اما بیش تر افراد، برای ارضای یک نیاز طبیعی، یعنی قابل قبول بودن در اجتماع دنبال مد می‌روند، اگرچه این برنامه در دهه‌های اخیر پیامد تمدن مصرفی غرب است؛ ولی منابع تاریخی، خاطرنشان کرده‌اند تغییر شکل لباس در مقاطع متفاوت و نیز طبقه‌بندی افراد جامعه با نوع لباس در ایران، پیشینه‌ای چند هزار ساله دارد. اما این تغییرها در دوره‌های تاریخی، طبیعی به نظر می‌رسند و در واقع، در پاسخ به تنوع‌طلبی بر حسب مقتضیات زمان پدید آمده‌اند.

لباس تنگ، کوتاه و جلف، سوغات تمدنی است که جهان‌بینی ویژه‌ای دارد و انسان را به گونه‌ای مغایر با فرهنگ اسلامی تعریف می‌کند. مدگرایی، دستاورد تلاش‌های دروغین تبلیغی اروپایی است که بیش تر از چهار قرن است معنویت را از متن زندگی فردی و اجتماعی به حاشیه رانده و خدا را به گوشه عزلت کلیسا سپرده است. در

آفت هویت و دیانت
غلامرضا گلزاره



این فرهنگ معنویت و قداست، بی‌اصالت است و انسان نمی‌تواند روح الهی داشته باشد.

در این فرهنگ، از پس مرگ هیچ فردایی نیست و هیچ بهشتی انسان را فرا نمی‌خواند و همه می‌خواهند به آدمی چنین القا کنند که همه موجودات، همان تن و لباس، وسیله‌ای برای خودآرایی دروغین است. پوشش تنگ، چون لعابی نازک روی بدن کشیده می‌شود تا ناهمواری‌های آن را پنهان نکند و آن‌چه مد لباس را تغییر می‌دهد، روان‌شناسی خاصی است که پوچی، ابتذال و برهنگی را ترویج می‌کند تا بتواند بیش‌ترین جلوه و جاذبه را در جنس زن و نهایت اشتیاقی همراه با هوس و اشتباهی جنسی را در مرد پدید آورد.

در این نظام که بر بیش مادی و دنیوی غربی مبتنی است، شیوه‌ای از اقتصاد و سرمایه‌داری ترویج می‌شود که مصرف‌زدگی را هرچه بیش‌تر مورد توجه قرار می‌دهد و بر تکاثر و افزون‌طلبی تکیه دارد. از همه نیروها و امکانات کمک می‌گیرد تا بازار تولید و مصرف را پرهیجان و داغ‌تر کند و تمایلات مردان و زنان که گاهی طبیعی هم جلوه می‌کند، در استخدام این تشکیلات فزونی‌طلب و حریص قرار می‌گیرد و اراده آدمی را در مسیر مصرف‌زدگی افراطی قرار می‌دهد.

وضع غیرقابل تحمل برخی بی‌بندوباری‌ها که در قالب لباس‌های جلف، سبک، زننده و دور از شأن یک انسان آزاده و شریف بروز و کرده و رواج تیپ‌ها و آرایش‌هایی که جز دیوانه‌وار مصرف کردن مواد آرایشی وارداتی و تقلبی و برهم زدن آرامش روانی جامعه، بی‌آمد دیگری ندارد، همه ناشی از تحمیل این نظام عاری از معنویت و پوچ‌گرایی است.

عوارض زیان‌بار

برخی لباس‌های مد روز اگر این عنوان را با خود یدک نمی‌کشیدند، چیز شگفت‌آوری به نظر نمی‌رسیدند؛ اما هنگامی زیر لوای مد به بازار عرضه شوند، خیلی طبیعی و زیبا به نظر می‌رسند! برای مثال، چند سال پیش اگر دختر خانمی شلواری کوتاه می‌پوشید که بخشی از مج پایش بیرون بود، خیلی زشت به نظر می‌رسید و حتی شاید زنی حاضر نمی‌شد که آن را از سر ناچاری هم بپوشد؛ ولی اکنون که شلوار کوتاه، عنوان مد را با خود یدک می‌کشد، نزد جوانان، جایگاه و جاذبه خوبی به دست آورده است. همین پوشش اگر از مد بیفتد، دیگر هیچ کس حاضر نمی‌شود آن را بپوشد. مگر شلواری که تا ده سال پیش، با عنوان خمره‌ای بین پسران مد شده بود، هم اکنون رونق خود را از دست نداده است؟! کدام جوانی حاضر می‌شود حتی برای یک لحظه از این لباس استفاده کند؟!

در توصیف حاکمیت مد بر بازار و تاثیر آن بر قیمت‌ها، باید به نوعی از پالتوها به نام‌های سانتانا، فوتر، پاراشوتف، فوم، و... اشاره کرد که در سال‌های اخیر، پر فروش‌ترین پوشاک

زمستانی بوده‌اند. در حقیقت، گروهی، هزینه‌های گزافی را به دلیل غلبه مد بر تولیدهای ملی می‌پردازند.

این روند، علاوه بر آن که ضربه‌هایی به اقتصاد کشور وارد می‌کند، ارزش‌های فرهنگی را نیز به حاشیه می‌راند. در حقیقت، اشخاص که مدام به فکر پوشش بر اساس مد هستند، هویت اصیل و پاک خود را پای این ردالت، ذبح می‌کنند؛ چراکه به قول استاد شهید مرتضی مطهری (ره) لباس و پوشش، با روحیه ارتباط دارد و مصرف‌گرایی می‌تواند به اخلاق و فضیلت و فرهنگ درستی و راستی، آسیب جدی وارد نماید.

تاکنون، تعریف درست و دقیقی از مد ارایه نشده است و گروهی، آن را مترادف تجدد گرفته‌اند و بسیاری دیگر، شیک پوش بودن را برابر با مدگرایی دانسته‌اند؛ اما بیش‌تر افراد، برای ارضای یک نیاز طبیعی، یعنی قابل قبول بودن در اجتماع دنبال مد می‌روند.

کسی که درائر تبلیغات دروغین ترویج مد چون غربی‌ها لباس می‌پوشد، رفته‌رفته چون آنان فکر می‌کند و در نتیجه، باورهای خودی و فرهنگی بومی را زیر سوال می‌برد، تعادل اجتماعی را برهم می‌زند، هنجارهای ارزشی را به حاشیه می‌راند و از واقعیت‌های اجتماعی دور می‌شود.

نکته قابل ذکر دیگر آن‌که لباس‌هایی که از الیاف مصنوعی تهیه شده‌اند، مانع تبادل و تهویه هوا می‌شوند و این محصولات که غالباً از ترکیبات پتروشیمی به‌وجود آمده‌اند، به دلیل افزایش بار الکتریکی بدن و نقش حیاتی پوست زیان‌آورند و به هیچ روی نمی‌توانند جای پوشاک طبیعی را بگیرند.

مدل‌های اروپایی و بویژه فرانسوی و ترکیه‌ای، لباس‌هایی هستند که مد را ترویج می‌کنند و پوشیدن آن‌ها یک حرکت تقلیدی و بدون علم و آگاهی به شمار می‌آید. بسیاری از جوانان، اگرچه در ملاک انتخاب پوشاک خود کیفیت و استحکام را مهم می‌دانند؛ ولی هنگام خرید کالای مورد نیاز خویش، پیرو بی‌چون‌وچرای مد هستند و به همین دلیل نیز پول افزون‌تری برای محصولاتی مصرف می‌کنند که عملکردی محدود و خاصی منفی دارند. برخی از پالتوهای زمستانی پرفروش بازار پایین‌ترین کیفیت‌ها را دارند؛ ولی بانوان، به‌صورت غیر منتظره از آن‌ها استقبال می‌کنند. این درحالی است که لباس‌ها و اجناس تولید داخلی، باکیفیت بالاتر و جنس مرغوب‌تر در بازار کم‌مشتتری هستند. این نوع مدگرایی، نوعی از سبک رفتار و فرهنگ را به‌وجود می‌آورد که تجمل،



رفاه‌زدگی، اشرافی‌گری و مقاومت در برابر ارزش‌های اجتماعی را به‌دنبال خواهد داشت.

ریشه‌های رونق این امواج ویران‌گر

مد، حرکتی بسیار زودگذر است؛ اما چون سیلاب، با هجومی خطرناک، آن‌چه را سر راه خود می‌بیند، از بین می‌برد. ویروس خطرناکی است که اگر ریشه‌کن نشود، جامعه را به تباهی سوق می‌دهد. حال پرسش این است که چرا مدرگرایی که با فرهنگ و سنت ما هم‌خوانی ندارد، این‌چنین مورد استقبال قرار می‌گیرد و مردم، به‌ویژه نسل جوان، همواره در پی آنند و حاضر می‌شوند برای این تقلید کورکورانه، دست از هویت

مدرگرایی، دستاورد تلاش‌های دروغین تبلیغی اروپایی است که بیش‌تر از چهار قرن است معنویت را از متن زندگی فردی و اجتماعی به حاشیه رانده و خدا را به گوشه عزلت کلیسا سپرده است. در این فرهنگ معنویت و قداست، بی‌اصالت است و انسان نمی‌تواند روح الهی داشته باشد.

اصیل خود بردارند. در پاسخ باید به عوامل گوناگونی اشاره کرد. اصرار بیش از حد درباره نوع لباس، سبب برانگیختن حس تقابل در جوانان می‌شود. نوع پوشش را نمی‌توان به کسی تحمیل کرد. اما چرا مدل‌های غربی و بیگانه بر نوع بومی ترجیح داده می‌شود؟ وقتی خواننده‌های خوش‌صدا و معروف، یا هنرپیشه‌ای که شهرت اجتماعی دارد، به دنبال الگویی برای نوع لباس خود است، زمینه را برای مدرگرایی فراهم می‌کند. جوان، نوع پوشش خود را از کسی تقلید می‌کند که با شرایط سنی او هم‌خوانی دارد و نوعی شخصیت دروغین را به او منتقل می‌کند و در واقع، بر اثر یک همانندسازی در لباس، می‌خواهد گامی به‌سوی ترقی اجتماعی بردارد و به گمان خویش، از قافله عقب نماند. پندها و یادآوری‌های رسمی و قراردادی هم در او کارگر نیست و انتظار دارد طرح و مدل لباسی را برگزیند که تمایلات درونی او را ارضا کند. اگر بازیگران سیما و سینما، در برابر دوربین از پوشاک ملی و بومی بهره بگیرند و در عمل، به رویارویی با انواع مدل‌های غربی برخیزند، این مدرگرایی ناهنجار، روند رو به افولی می‌یابد یا دست‌کم با اقبال روبه‌رو نمی‌شود. مراکز طراحی و تولید لباس نیز درصدد آن نیستند که به سلیقه‌ها و ذوق مردم توجه کنند و برخی زیبایی‌های پسندیده و مورد پذیرش همگانی را در نظر نمی‌گیرند. بدیهی است، طرح‌هایی که مورد استقبال بیش‌تری قرار می‌گیرند، بر سلیقه‌ها هم اثر می‌گذارند و رفته‌رفته مردم به لباس‌هایی روی می‌آورند که با فرهنگشان سنخیت داشته باشد، اما متأسفانه، برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی ریشه‌داری در این باره صورت نگرفته است. بیش‌تر فروشندگان هم به‌جای درنظرگرفتن مصالح جامعه به فکر منافع خود هستند و لباس‌هایی را عرضه می‌کنند که زودتر بفروشند و در کم‌ترین زمان بر سرمایه‌های مادی خود بیفزایند.

برخی غفلت‌ها نیز چونان مورانه‌هایی از درون،

زمینه‌سازی چنین شیخون فرهنگی را فراهم کرده‌اند. بایسته است، مسئولان فرهنگی، از طراحان داخلی پشتیبانی کنند، ایده‌های بومی و سنتی را ترویج نمایند و سلیقه‌های ناب ایرانی را در نظر بگیرند. این برنامه اگر ریشه‌دار، برنامه‌ریزی شده و همه‌جانبه باشد می‌تواند لباس ایرانی را با هویتی مستقل و اصیل، به جایگاه ویژه‌ای در لباس جهانی ارتقا دهد.

چشم و هم‌چشمی‌ها و برخی لجاجت‌ها، در روی آوردن به مد دخالت دارد. قوانین نیز متعادل نیستند و نباید محدودیت‌های ناهنجار و تنگ‌نظرانه پدید آورند. از سوی دیگر، طرز لباس‌پوشیدن اهل علم و معرفت، یا شخصیت‌های تاثیرگذار (به‌جز روحانیان) هویت مستقل و مشخص بومی ندارد. جوان امروز ایرانی نمی‌داند بانو یا آقای محقق، مدرس دانشگاه و افرادی که در عرصه‌های فکری و علمی فعالیت دارند و حتی می‌پوشند. معلمان زن، نوعی ماتنوی ثابت دارند و حتی در محیط‌های بسته مثل دبیرستان‌های دخترانه یا مقاطع دیگر آموزشی که ورود افراد نامحرم به آن‌جا کنترل می‌شود، از پوشش بخش‌نامه‌ای یک‌رنگ بهره می‌گیرند. مردان مطرح در جامعه، از عالی‌ترین مقامات دولتی، دانشگاهی، فرهنگی و هنری، همیشه با کت و شلوار که یک لباس رسمی است و معمولاً تنوع چندانی ندارد، در انتظار عمومی ظاهر می‌شوند؛ در نتیجه، جوان نمی‌تواند تصور کند یک استاد دانشگاه، پزشک یا دبیر در منزل، مهمانی، پارک و مسافرت، چگونه لباسی می‌پوشد تا او نیز همانندسازی کند و به‌دلیل ارزش‌های علمی و فرهنگی، از این اشخاص الگو بگیرد. پس خلاء همچنان باقی است و چنین طیف‌هایی نمی‌توانند در چگونگی لباس‌پوشیدن، الگو باشند. در مقابل، به دلیل گستردگی امکانات ارتباطی و تجاری و تبلیغات شدید دروغین، بیگانگان با تنوع پوشش خود که فرهنگی خاصی را القا می‌کنند، بر بازار پوشاک اثر می‌گذارند و الگوهای مورد نظر را در قالب مد، تحمیل می‌کنند.

دربار این تهاجم چه کنیم؟

برای جلوگیری از رواج مد و کنترل بازار پوشاک، بایسته‌است فرهنگ اسلامی در این زمینه تبلیغ و معرفی شود؛ زیرا در منابع روایی ما، لباس زیبا، نشانه‌ای از تقرب به خداست. پاک‌پوشاک، اندوه و غم

را از بین می‌برد و

آدمی را در میان

مردم عزیز

می‌کند. حضرت

علی علیه‌السلام

می‌فرمایند:

«نیکوترین لباس

آن است که تو را

با مردم همسان

سازد و موجب

آرایش تو در

میان آنان شود

و زبان‌های آنان

را از بدگویی باز

دارد.»

در فرهنگ

اسلامی، از

این‌که انسان از

لباس بیگانگان

بهره بگیرد، نهی

برای جلوگیری از رواج مد و کنترل بازار پوشاک، بایسته‌است فرهنگ اسلامی در این زمینه تبلیغ و معرفی شود؛ زیرا در منابع روایی ما، لباس زیبا، نشانه‌ای از تقرب به خداست. پاک‌پوشاک، اندوه و غم را از بین می‌برد و آدمی را در میان مردم عزیز می‌کند.

شده و این شیوه، نشانه و وابستگی است. چگونگی پوشاک، رنگ، مدل، آراستگی و تمیزی لباس، بر شخصیت آدمی اثر می‌گذارد و چه‌بسا که برخی لباس‌ها شخصیت افراد را مسخ کند و رفتار و اعمال آدمی را دگرگون سازد! برخی افسردگی‌های روحی و تهدید ذوق سلیم و خارج شده از مرز اعتدال در پوشیدنی‌ها، به دلیل خودآرایی‌های افراطی و یا پذیرفتن آشفتنی و ژولیدگی در لباس است. بدیهی است، اگر در جامعه‌ای بایدهای و نبایدهای ارزشی و اصیل تبلیغ شوند و ارتباط انتخاب لباس با هنجارهای فرهنگی و رفتاری روشن شود، فرهنگ مبتذل مدرگرایی نمی‌تواند این‌گونه بر زندگی جوان مسلمان اثر سوء بگذارد. درست است که لباس باید ساده و دور از تشریفات و تجملات باشد؛ اما رعایت تنوع، سلیقه‌ها و گرایش‌ها در این باره، تا حدودی لازم است. رنگ، طرح و شکل لباس، نو بودن، بافت و مانند آن‌ها، باید چنان جاذبه‌ای ایجاد کند که جایی برای ترویج مدرگرایی وجود نداشته باشد.

لباسی انتخاب شود که با موقعیت اجتماعی افراد هم‌خوانی داشته باشد. رنگ لباس، با چهره و سیما تناسب داشته و اندازه لباس، با اندام در تعارض نباشد. مد، علاوه بر این که فرهنگ، ملیت، سنت‌های بومی و شأن انسان را در نظر نمی‌گیرد، باغیرت، عفت، نجابت، شرافت و موازین خانواده هم در تعارض است و آگاهی بخشی به جامعه در این باره، بایسته است.

شایسته است مراکز فرهنگی و آموزشی، از موضع متانت و هویت، طرح‌های مطلوبی را ارائه دهند که ضمن پاسداری از هنجارهای دینی، رغبت‌های لازم را در افراد به‌وجود آورد. صدواسیما، از آرایه الگوهای مغایر با هویت ملی و دینی جلوگیری کند و درمکان‌هایی چون فضاهای ورزشی، تفریحی، اردوگاهی، باغ‌ها و سایر گردش‌گاه‌ها، پوشیدن لباس‌هایی ترویج شود که از سلامت اخلاقی و روانی جامعه پاسداری کند. بهتر است به جای صرف انرژی و وقت، برای مبارزه با کالاهای وارداتی غربی، از توان و امکانات خود، برای طراحی لباس بهره بگیریم که در عین حالی که نمادهایی از هویت ملی را به همراه دارد، به سلیقه جوانان نزدیک بوده و درمیان عموم مردم مقبول افتاده و مورد استقبال قرار می‌گیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۲۹۹؛ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۱۵۷.
۲. غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۰۷.
۳. شیخ طوسی، امالی، ج ۱، ص ۲۷۵.
۴. شیخ حر عاملی، وسائل‌الشعیه، ج ۱، ص ۲۱۸.
۵. همان، ج ۱، ص ۲۷۵.
۶. بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۲۹۹.
۷. همان، ج ۷۱، ص ۳۶۳.
۸. یادداشت‌های مطهری، ج ۶، ص ۵۳۳.

